

| نام وزن        | اوزان همسان وزن                    |
|----------------|------------------------------------|
| <b>مفاعیلن</b> | 1- مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن |
| <b>112</b>     | 2- مفاعیلن مفاعیلن مفعولن (1 2)    |

په فوش صید دلم کردی بنازم پشم مستت را      که کس آهوی و مشی را از این بهتر نمی گیرد  
 به کیتی هر کجا در دلی بود      به هم کردند و عشقش نام دادند

| نام وزن        | اوزان همسان وزن                                                    |
|----------------|--------------------------------------------------------------------|
| <b>فاعلاتن</b> | 1- فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن                                 |
| <b>121</b>     | 2- فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن<br>3- فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (2 1) |

روزگار است این که که عزت دهد که فوار دارد      چرخ بازیگر از این بازیچه ها بسیار دارد  
 سینه ملامال درد است ای دریغا مرهمی      دل ز تنهایی به جان آمد ای دریغا مرهمی  
 تا نگر دی بی خبر از جسم و جان      کی خبر یابی ز جانان یک زمان

| نام وزن               | اوزان همسان وزن                 |
|-----------------------|---------------------------------|
| مستفعلن<br><b>211</b> | مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن |

کر جان عاشق دم زند، آتش در این عالم زند      وین عالم بی اصل را، چون ذره ها بر هم زند  
سعدی چو جورش می بری نزدیک او دیگر مرو      ای بی بصر من می روم؟ او میکشد قلاب را

| نام وزن             | اوزان همسان وزن                                                   |
|---------------------|-------------------------------------------------------------------|
| فعلولن<br><b>12</b> | 1- فعلولن فعلولن فعلولن فعلولن<br>2- فعلولن فعلولن فعلولن فعل (2) |

غمش در نوان خانه دل نشیند      به نازی که لیلی به ممل نشیند  
خدا یا به خواری مردان از درم      که صورت نبندد دری دیگرم

| نام وزن             | اوزان همسان وزن                                          |
|---------------------|----------------------------------------------------------|
| مفتعلن<br><b>31</b> | 1- مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن<br>2- مفتعلن مفتعلن فاعلن |

مردم مردم، زنده شدم، گریه مردم، فنده شدم      دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم  
ای به عزل بوده و نابوده ما      وی به ابر زنده و خرسوده ما

| نام وزن                        | اوزان همسان وزن                |
|--------------------------------|--------------------------------|
| <b>فعلاتن</b><br><br><b>13</b> | 1- فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن |
|                                | 2- فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن   |
|                                | 3- فعلاتن فعلاتن فعلن (3)      |

نظر آوردم و بردم که وجودی به تو مانر همه اسمنر و تو جسمی، همه جسمنر و تو روشی  
 تو مپندار کن این در به ملامت بروم دلم این جاست، برده تا به سلامت بروم  
 بت تو نفس هواپرور توست که به صدگونه خطا رهبر توست

### تمرین کلاسی

وزن ابیات زیر را مشخص کنید.

من دوست می دارم جفا کز دست جانان می برم طاقت نمی دارم ولی افتان و خیزان میروم  
 ساقیا پایان رسیدی، عشق را از سر بگیر پا چه باشد، سر چه باشد، پا و سر یکسر شده است  
 برون آ که صبح است و طرف چمن خوش چمن خوش بود خاصه در بامدادان  
 مرا در عشق او کاری فتاده ست که هر مویی به تیماری فتاده ست  
 من نه آن صورت پرستم کز تمنای تو مستم هوش من دانی که برده است؟ آن که صورت می نگارد  
 نه تلخ است صبری که بر یاد اوست که تلخی شکر باشد از دست دوست  
 در این ظلمت سرا تا کی به بوی دوست بنشینیم؟ گهی انگشت بر دندان گهی سر بر سر زانو  
 چو از این هوش برستی، به مساقات و به مستی دهدت صد هوش دیگر کرم باده فروشت  
 بگشا بند قبا، تا بگشاید دل من که گشادی که مرا بود ز پهلوی تو بود





**\* وزن کدام بیت متفاوت است؟ (کانون 1402)**

- (1) پیر فلک خرقه بخواهد درید / مهره گل رشته بخواهد برید
- (2) سخن بیرون مگوی از عشق سعدی / سخن عشق است و دیگر قال و قیل است
- (3) سر که به کشتن بنهی پیش دوست / به که به گشتن بنهی در دیار
- (4) تا به گریبان نرسد دست مرگ / دست ز دامن نکیمت رها

**\* وزن بیت زیر کدام است؟ (کانون 1402)**

« در چمن باد بهاری ز کنار گل و سرو به هواداری آن قامت و عارض برخاست »

- (1) فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن
- (2) فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
- (3) فعلاتن فعلاتن فعلاتن فععلن
- (4) مفاعلتن مفاعلتن مفاعلتن مفاعلتن

**\* وزن کدام بیت با بقیه ابیات یکسان نیست؟ (کانون 1402)**

- (1) ز تورانیان تنگ چشمی سواری / در ایران به زلف سیه کرد کاری
- (2) شهان را به گرز گران کرد عاجز / چنین معجزات است گرز گران را
- (3) هر آن کس که اخبار فتح تو خواند / دهد خلق را از درستی نشانی
- (4) به دشمن بر از خشم آواز کرد / تو گفتی مگر تندر آغاز کرد

**\* وزن واژه بیت کدام گزینه «مفاعیلن مفاعیلن مفاعی» است؟ (کانون 1401)**

- (1) اگر گل را نظر بودی چو نرگس تا جهان ببند / ز شرم رنگ رخسارش چو نیلوفر در آبستی
- (2) بسازم خنجری نیشش ز پولاد / ز منم بر دیده تا دل گردد آزاد

(3) درد ما را نیست درمان الغیاث / هجر ما را نیست پایان الغیاث

(4) دم از سیر این دیر دیرینه زن / صلابی به شاهان پیشینه زن

**\* وزن کدام بیت با بیت زیر یکسان است؟ (کانون 1400)**

«هر که دولت یافت شست از لوح خاطر نام ما      اوج دولت طاق نسیان است در ایام ما»

(1) درد کز دل خواست درمائش نیست / خون که دلبر ریخت تاوانیش نیست

(2) من این کوشش که در تسخیر آن خود کام می‌کردم / اگر وحشی غزالی بود او را رام می‌کردم

(3) گر نباشی دوست دارم دوست دارم همچنان / ز آنکه من بی این تمنا دوست می دارم تو را

(4) صوفی از رندان بپوشد می که در خلوت بنوشد / شد کهن بالای خم ها خرقه اش تا کی بپوشد

**\* کدام بیت از تکرار پایه های آوایی «مفتعلن» ساخته شده است؟ (کانون 1400)**

(1) دوش من پیغام کردم سوی تو استاره را / گفتمش خدمت رسان از من تو آن مه پاره را

(2) جمله خیالات جهان، پیش خیال او دوان / مانند آهن پاره ها در جذبۀ آهن ربا

(3) روشنی روز تویی، شادی غم سوز تویی / ماه شب افروز تویی، ابر شکر بار بیا

(4) چو نهادم سر هستی، چه کنم بار کهی را / چو مرا گرگ شبان شد چه کنم ناز شبان را

**\* وزن مقابل کدام مصراع نادرست است؟ (کانون 1400)**

(1) هر چه عیان بود نهان آمدند: مفتعلن مفتعلن فاعلن

(2) که به صد منزلت از خاک درت خاک تر است: فعلاتن فعلاتن فعلاتن

(3) ز هر کشوری گرد کن مهتران: فعولن فعولن فعولن فعل

(4) هم او که دلتگت کند سرسبز و گلگونت کند: مستفععلن مستفععلن مستفععلن

## \* وزن واژه مقابل کدام مصراع درست است؟ (قلمپی 98)

- 1) چو من از خویش برستم ره اندیشه ببستم: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
- 2) ای شب خوبی و بهی! جان بجهد گر بجهی: مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن
- 3) از آن برق رخسار و سیما چه می شد: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
- 4) گاه مرا پیش کشد شاه چو سرلشکر خود: مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن

\* نشانه های هجایی کدام مصراع نا درست است؟ (قلمپی 98)

- 1) یکی نزد رستم برد آگهی (—U/ ——U/— —U/— —U)
- 2) زنجیز زلفش هر طرف دیوانه وارم می کشد (—UU—/—UU—/—UU—/—UU—)
- 3) روان پرور بود خرم بهاری (— —U/— — —U/— — —U)
- 4) هر که معشوقی ندارد عمر ضایع می گذارد (— —U—/— — —U—/— — —U—/— — —U—)

## \* وزن بیت زیر با کدام بیت یکسان است؟ (قلمپی 97)

گر تیغ خواهد او ز خور، از بدر بر سازد سپر      گر قیصری اندر گذر از زنگ ما از زنگ ما

1) شمه ای از داستان عشق شورانگیز ماست      این حکایت ها که از فرهاد و شیرین کرده اند

2) اشک دوان هر سحری از دلم آرد خبری      هیچ کسی را ز دلم خود خبری می نشود

3) چه کند چرخ فلک را چه کند عالم شک را؟!      چو بر آن چرخ معانی مهش انوار تو دارد

4) با عقل خود گر جفتمی، من گفتمی ها گفتمی      خاموش کن تا نشنود این قصه را باد هوا

\*وزن کدام مصراع در مقابل آن نادرست آمده است؟ (قلمپی 98)

1) ره این است روی از طریقت متاب:فعولن فعولن فعولن فعولن

2) سر نتوانم که برآرم چو چنگ:مفتعلن مفتعلن فاعلن

3) از دشت و دریا در طلب باید گذشتن:مستفعلن مستفعلن مستفعلن فع

4) رmqی بیش نمانده است گرفتار غمت را:فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

\*وزن کدام بیت در مقابل آن نادرست است؟ (قلمپی 97)

1) از سرو گویم یا چمن، از لاله گویم یا سمن؟ از شمع گویم یا لکن، یا رقص گل پیش صبا؟ (4 مستفعلن)

2) چو من صلح جویم شفیع او بود چو در چنگ آیم بود خنجر او (مفاعیلن مفاعیلن فعولن)

3) گرچه وصالش نه به کوشش دهند هر قدر ای دل که توانی بکوش (مفتعلن مفتعلن فاعلن)

4) تا که دانش کم کند مر راه را تا که عاقل بشکند فرهنگ را (فاعلاتن فاعلاتن فاعلن)

\* کدام ابیات دارای وزن یکسان هستند؟ (قلمپی 98)

الف) گلستان کند آتشی بر خلیل گروهی بر آتش برد ز آب نیل

ب) سر که به کشتن بنهی پیش دوست به که به کشتن بنهی در دیار

پ) گر تو در آینه کامل کنی صورت خود باز به ما ننگری

ت) در این بحر جز مرد داعی نرفت کم آن شد که دنبال داعی نرفت

ث) تو مگر سایه لطفی به سر وقت من آری که من آن مایه ندارم که به مقدار تو باشم

1) ب - پ / ت - ث 2) الف - ت / ب - پ 3) ب - ث / الف - پ 4) پ - ث / ب - ت

**\* وزن واژه مصراع (همه سهل است تحمل نکنم بار جدایی) در کدام گزینه آمده است؟ (قلمپی 98)**

- 1) مستفعّلن مستفعّلن مستفعّلن مستفعّلن  
 2) فعلاّتن فعلاّتن فعلاّتن فعلاّتن فعلن  
 3) فعلاّتن فعلاّتن فعلاّتن فعلاّتن  
 4) فعلاّتن فعلاّتن فعلاّتن فعلاّتن فعلاّتن

**\* خوشه های هجایی و وزن کدام مصراع در مقابل آن درست است؟ (قلمپی 97)**

- 1) تا به گریبان نرسد دست مرگ (— U U — / — U U — / — U U —)  
 2) سر انگشت تحیر بگزد عقل به دندان (— U U / — — U U / — — U U / — — U U)  
 3) کس به چشمم در نمی آید که گویم مثل اوست (— U — / — — U — / — — U — / — — U —)  
 4) گدا گر تواضع کند خوی اوست (— — U / — — U / — — U / — — U)

**\* مرز پایه های آوایی کدام مصراع کاملاً درست آمده است؟ (قلمپی 97)**

- 1) خوشا رهنوردی که چون صبح صادق : خُ شَا رَه نَ / وَر دِی کَ / چُن صُب حَ / صَا دِق  
 2) چون شبِ نیم روشن گوهر، با خار و گل یکرنگ شو : چُن شِب نَ مَ / رَوِ شَن گُ هَر بَا / خَا رُ گِل یَک / رَن گَ شَو  
 3) دود چراغی که نه ای از دل پروانه برآ : دَو دِ چِ رَا / غِی کِ نِ ای / اَز دِ لِ پَر / وَا نِ بَ رَا  
 4) به شکرخنده اگر می ببرد جان مرا : بَ شِ کَر خَن / دِ اَ گَر مِی / بَ بَ رَد / جَا نِ مَ رَا